

# کوشش نامشغولی

نوشته پریشان

## در بستر بیماری

ناخوان دارم ولی تکرم بر استعداد بدلیبم  
چیرگی میکند - فکر نسیب میند که  
باید فلان و فلان کرد تن زنجور بنا  
نجبت از این امر سر بیسی میکند  
هفته گذشته در بستر بیماری سخت  
افتاده بودم گاهی که قدری نسیبیک  
میشد خیال میافشادم چیزی بنویسم ولی  
هرچه فکر کردم توانایی تحریر نداشتیم  
خوب حس میکردم که کبر من

انسان را از بسیاری از لذایذ محروم  
میسازد امروز که قدری بهبود یافته‌ام  
و از دوزخ قبل توانایی خواندن روزنامه  
ها را داشته‌ام مانند انسان زنده‌ای کسی  
یا توابع روز آفتاب شده‌ام چه اتفاقی  
در این مدت کوتاه بیماری من افتاده  
و من مثل اینکه از دنیای دیگر آمده‌ام  
احوال را دیگرگون می‌بینم

من که یک عمر در این مملکت  
زندگی کرده‌ام جز در مورد خواهان و نواز  
نسیب اوضاع را ندیده‌ام - تا اندازه‌ای  
به وضعیت مردم آشنا و میدانم که  
به گفته ما کثیر باید اعتقاد داشت

مردم هزار رودارند - هر روز  
بعضی مناسب بکار میبرند گاهی تان  
خندان - گاه روی تنق و چاپلوسی  
گاه راه فراموشی و ... را نشان می  
دهند

هر قدر ایام سبزی میشود  
هر اندازه بر سر گیتی افزون میشود  
مردم بر سر و تن و زور خود میافزایند  
از حقیقت دور و منحرف میشوند - ولی  
اگر شخص از کناری ناظر اوضاع باشد  
و در این تغییر حالات تمسک کند تجارب  
گرا بیبانی برای زندگی خود خواهد  
اندوخت و پامال و تاثر فوق العاده‌ای  
به آتیه این کشور کهنال خیره خواهد  
شد

آرزوی که مملکت ما در اوج  
عظمت بود و یا در ایامی که فوس  
صعودی بزرگی ایران پیوسته میشد  
سکنه این مملکت حقیقت وحدانی وجود  
داشت ولی از آن ایامی که مردم از  
حقیقت انحراف پانند دوران تیره بستی  
ما شروع شد

من میخواستم با توجه به آگهی  
که در دو شماره قبل در کوشش چاپ  
شده بود نظر بر آن خود را نسبت با تشایات  
بنویسم ولی افسردگی باطنی منان اختیار  
از کلمه پرورد این مقدمه از قلم تراوش  
یافت

من خیال داشتم در اطراف گلپای  
راجع با تشایات امروز چند سطر بنویسم  
ولی ملاقات یکی از دوستان قدیمی مرا  
بر این داشت که یک دست معصوم  
و پناه کنم - بقیه در صفحه ۸

فصل بدیست - خداوند اسما را  
را از نعت باران تا جمال محروم کرده  
و برای تنهای غلب و بدن های ناتوان  
ما بلای سرما را نازل فرموده است -  
ما مردمان بیچاره همیشه در معرض  
انواع بلاها قرار گرفته‌ایم - هر جا  
بلائی باشد باید بر سر ما نزول اجلال  
فرماید

بدین است ما از آن بی  
نسیب نیستیم - اگر بی سواد و نادانی  
است که ما از آن بزرگترین سهم را  
داریم اگر تعطلی است ما از آن بی  
بهره نیستیم - اگر محرومیت است  
چندانی از همه چیز محرومیم - حال هم  
که سرما آمده بیماری بسیاری میشود  
نیروی جوانی از من رخت بر بسته  
ایام شایم سبزی گشته - و اگر چه مزاجی

باید بود های تلخ است که مردم را از  
زندگی به دولت قربان و وحشتناک  
میشاید

امروز باید دولت این مطالب را  
بنظر بیارود و چاره جویی کند  
امروز اولای امور نباید مکتور  
شوند اگر کسی با بلا آوری ایام  
تلخ گذشته بخواهد راه مقولای ای  
پیشنهاد نماید - نباید افسوس خوردستگاه  
های مملکتی - سنگ تکفیر برداشته بر  
منز آنها بکه درست میگویند بگویند  
و در هر جا به بی از آنها نام ببرند  
بلکه باید اطمینان داشته باشند آنها

که گفته ها و نوست های منتقدین  
تخ تر است بیشتر به مملکت علاقتند -  
فلان شخص منقک که هر روز به گرد  
مقامی است و هر روز در اطراف شخص  
با نفوذی سینه زنی میکند باید مورد  
مشورت و اعتناء باشد آنکه در عقیده  
خود راسخ و پایدار است آنکه برای  
مقامی خود را نفیروشد آنکه بی طرفانه  
فضاوت میفشد باید در این اجتماع آلوده ما  
ارزش داشته باشد

در موضوع کردستان دولت باید  
در درجه اول سعی نماید اعتقاد واقعی  
مردم را جلب کند ما مطمئن داریم آن  
روزی که این اعتقاد جلب شد کوچک  
ترین واقعه سومی در کردستان روی  
نخواهد داد - این اعتقاد هم موقتی جلب می  
شود که از وجود اشخاص متورم و مورد  
احترام مردم برای اداره امور آن نواسی  
استفاده شود

سال اگر دولت به دنیای تکگرانی  
که به مهاباد مغایر کرده چنین مردانی را  
بکار و کمک دعوت نود میتواند  
تبلهات شوم دشمنان را خنثی نوده  
کردستانی براز امید را صبیانه بخود  
زودیک نماید

## نخست وزیر بگردستان

### امیدوار است

#### باید برای مناطق کردستان نشین برنامه خاصی در نظر گرفته شود

برنامه های اصلاحی که از بیت پان تراوش  
ناید دیده تفسیرهای عجیب و غریب  
واقع شده و صورت غیر واقعی به آن  
میدهند تا تنها نتیجه مثبتی از آن اقدام  
عاید دولت و ملت نگردد بلکه چنان  
سوء تفاهم های ایجاد نماید که روابط  
وایر بوده - تیرگی را به خاک و  
فلان را به خصومت و ستیزه جویی سازد  
در مورد تکراف آقای نخست  
وزیر هم رادوبی های بیگانه تک پاشی  
کرده و تفسیرهایی بیان آورده تا  
عاید آن صیبتی که آقای نخست وزیر  
بدان اشاره کرده بودند جای خود را به  
تردید و بدبینی بدعت - ولی برای اینکه  
دامنه این تبلیغات شوم فطخ شود

و برای اینکه نیت خیرخواهانه جناب  
اشرف آقای فوام السلطنه به ثبوت برسد  
لازم است از طرف دولت قدمی هم بسوی  
صل برداشته شود - لازم است دولت به  
حقیقت اوضاع مهاباد و سایر نواسی کرد  
نشین آذربایجان آنطوریکه باید واقف  
شود - لازم است از روم نزدیکتر کردستان  
آذربایجان و کردستان جنوبی در حال سرد  
نشان داده شود

سابقا رسم اینطور بود برای بر -  
هرای نفوذ دولت از ایجاد فلان در  
میان روسای شایر و سران طوایف  
استفاده میشد

گاهی یکی را خلعت میدادند و بر  
علیه دیگری تحریک می نمودند گاه  
یکی را مورد مرحمت قرار داده مخالف  
را غضب میکردند - گاه یکی را جیره  
و دیگری را زیر دست می نمودند و گاه  
ووق را بر میگردداند آنکه این دو  
به تلاقی بر میخاستند و بدین ترتیب بجای  
اینکه یک قدم در راه ترقی این مردمان  
نبرد بردارند آنها را باین وسایلی به  
دوران بدویت هدایت مینمودند

اگر در آن ایام کار بدستان ما  
قدری هم فکر ملت و مملکت و ادوکل  
میداشتند فلحا بجای این اقدامات در  
نوسه قرهنگ و تربیت مردم میگویند -  
امروز سوء ظن مردم رفع نشده  
آن خاطر های تلخ گذشته فراموش نگردیده  
مردم هنوز به خیلی از حرف ها و وعده  
ها ایمان و باور ندارند - امروز بیگانگان  
همان خاطر ها را اساس تبلیغات خود  
قرار میدهند بوسیله یاد آوری همان

هفته گذشته آقای نخست وزیر  
تنگرانی به محضون ذیل به آقای فاضل محمد  
رهبان حزب دموکرات کردستان مجا بره  
نمودند -  
آقای فاضل محمد

نظر باینکه طبق تصمیم اینجانب  
انتخابات بایستی با حضور نوابی تأمین  
اجرامی از مرکز انجام شود و بایستی  
انتخابات منطقه کرد نشین آذربایجان  
با همکاری صبیانه و علاقتی نام شای  
صورت گیرد لذا لازم است تعیین نمایند  
در خوی - هابور - ریخایه و مهاباد که  
مناطق کرد نشین است چگونه شای با  
نوابی تأمین همکاری خواهد کرد که  
استورات منقض صادر شود

با همکاری صبیانه و علاقتی خاصی  
که در این مدت از شخص شامل مطه  
شده منتظرم در این قسمت که موضوع  
اگرچه در بین است علاقتی کامل خود  
را در پیشرفت امور صلا ارائه دهید

### نخست وزیر - فوام السلطنه

در این تکراف آقای نخست وزیر  
صحن اظهار اعتقاد و اشاره به صیبت  
و همکاری آقای فاضل محمد برای اولین  
بار خواسته اند حساب مناطق کرد نشین  
آذربایجان را از سایر نقاط آن ایالت  
جدا نموده و بپناه آوری اینک «دران  
قسمت که موضوع اگر ادرار بین است»  
نوعه خود را باین اصل منطوق داشته اند  
که باید موضوع کرد را به استقلال  
مورد بررسی و اقدام قرار دهند

خوانندگان ما بخاطر دارند که از  
چند ماه قبل مکرر پیشنهاد یاد آوری  
میشودیم که دولت باید نسبت به مسئله  
کرد و کردستان دقت بیشتری نودم  
برنامه خاصی در نظر بگیرد و دوسر  
مقاله هفته گذشته مجدداً این اصل را  
یاد آوری نمودیم اکنون بسیار خوشوقتیم  
که تکراف جناب آقای نخست وزیر  
فصل نویسی در سیاست دولت نسبت به  
کردستان باز نوده و میتوان امیدوار  
بود که در نتیجه اجرای یک برنامه صحیح  
کلیه نواسی کرد نشین ترقی ایران  
نعت یک سازمان واحد مناسب با احتیاجات  
اوضاع سیاسی این مناطق اداره شود  
این را ناگفته نمیتوان گذاشت که  
بر قدم اصلاحی و اساسی که از طرف  
دولت برداشته شود با تبلیغات شوم  
مملکت ایران مصادف خواهد شد و

تفسیر تحولات سیاسی

وینا و ایران در محفته گذشته

۳- آلمان فردا، قانون انقلاب نخواهد بود

نظر آلمان و ربع ملت آلمان با ملی که اقتصاد این کشور را در حال تکامل نشان می‌دهد، یعنی که از آن کاملتر و مختصرتر و دقت‌تر ممکن نبود، بحث هفت پیش ما بود و امروز نیز با روش درخور ستایشش در پیرامون «آندیشه هالی» که مرکز نشو و نما آلمان جدید و فاشیسم جدید است «صحت خواهیم کرد و برای آنکه با یک منته صحیح و کامل با نگیرد هالی که این انکار زشت و غلط را مدد داده و غنی می‌کند بی بریم ناچاراً بر تریه فستنهائی از خاطرات «برت لوی» یک راهگشا و نویسنده جامه نکر امریکائی «هنکام پدرا برلین» و هینکلور نقل استاد سوئی از عصر جدید مبادرت خواهیم نمود.

سرود صلح!

هنکام پدرا ویرانه های پیشاور و اسرار آمیز برلین در روی دیوار پوسیده، دغنه این افسار را بهم و پس از نظاره آن لرزش شخصی بن دست داد.

«موطن بشنو!»

«دشمن خانه مقدس ما را ویران»  
 «گردا امروز بر فراز ویرانه های آن»  
 «یا آت منک صلح و نفس مرگ می‌کنند و تو»  
 «گویی از هر چه نشاء حیات و انتظار»  
 «آلمانی با قدم می‌نایند.»  
 «به آلمان نگاه کن: مانند»  
 «ناظری که ازیر المرافه ترین خانه»  
 «ما، کلیه ویران و سوخته خود»  
 «سلف های درهم ریخته آنرا نگاه»  
 «می‌کنند.»

«آن ارتش دلیر ما که پورش»  
 «به آسمان می‌برد چه شد (صلای آلمان»  
 «بر تراز هوا) دیگر شنیده نشود»  
 «از مویخ سرود پیروزی می‌شنوم»  
 «تنها با یاد آلمانی» آلمان را»  
 «نیات می‌دهد»

اگر جهان بچنگ نویسی کفیده شود و اگر باز تاریخ از مجرای طغلی خود خارج و فاشیسم با جلوه و رنگ آمیزی جانسوز دیگری خود نشانی کند، اگر هوی و هوس یک «پیشوا» بتواند وضع نیست سال گذشته را ایجاد نماید، انتشار این افکار پرگترین کنگ و سر پیدایش تمام آنها است.

آیا افکار «برت لوی» نویسنده امریکائی که بهتر بود در اوخا زوینی ثبت و بر سر مرز «گویلو» گذارده شود، در فکر و احساسات نسل معاصر و روح زمان از لحاظ جنسی و چولی تاثیر فوق العاده دارد؛ اگرچه امروز نیز آلمانیها مانند ژرمنهای قدیم آرزو می‌کنند «آلمان با محور و تکامل در جهان آینده تاثیر کند و تاریخ، قرن حاضر را بنام آلمان بسازد» و متفقد «امروز در آلمان همان چیزها رخ میدهد که بارها در تاریخ آلمان، برای ملت آلمان رخ داده» و تصور می‌کنند و مستکاران ارتش آلمان را که دارای نیرو و قدرت

شکرتی است: با خنجر زهر آلود فکته می‌دهند او با اسلحه و تئوریهای متنوع خود می‌خواهند، انتقارات آلمان بزرگ را محصور سازند و «بیمه می گویند» عیبی نیست اگر افسار دیکران (متفکرین برای تسکین احساسات و غم آبی، روح بلند پرواز و سرکش مرد آلمانی را خفه کنند: زیرا استاد و آن مثل هومانه و غیرین «شیرا باید در قفس آهنین محبوس گردند در خانه آزاد»...

ولی این افکار و نظریات مشابه آن گینه و خصوصت دوسته آران صلح را بر انقیته زیرا در نظر هر مرد هومانیم این ترهان بنزله افکار ضاله ای تلقی میشود فلسفه «برت لوی» و رجعت های تازه او به فاشیسم انسان متفکر را بیاد فلسفه «آلفرد روزنبرگ» می اندازد. این بازیها که امروز بانه های عاجزی در همه جا شروع شده دنیا همان روشی است که پس از پایان جنگ (۱۸-۱۹۱۴) انجام میشد، ولی فقط مغزهایی که تصور می‌کنند ممکن است استنباط «برت لوی» بر منطبق دقیق و وسیع دموکراسی غلبه کند نتواند فکر کنند که این «روزنه های مضر» و مضره پیروز خواهد شد «عصر جدید» بهترین وجهی سر پیدایش و اشاعه این گونه افکار و در هفته آینده بر ما روشن می‌سختند.

«ناتام»

در ایران ما چه می‌گذرد

مسئله زنجان در راس قضایای سیاسی هفت

اعوام نیرو به زنجان یک مسئله قابل اهمیت است، موفقیت حساس و تاریخی، زمان حاضر و بیم جنگ داخلی موضوع انتخابات بیم و فزونی تر قضیه روز را تشکیل می‌دهند، تلنگر افغانی بین آتسای نخست وزیر و آقای دکتر جابری و آقای قاضی محمد و مهر حزب دمکرات کردستان با مضمون مشابه که مفاد آن اینست که نیروی اعرامی میبایستی برای حل جریان انتخابات و منطقه (آذربایجان و کردستان هالی) «هتیار کرده و شایسته نیست انتخابات کشور بدون شرکت آذربایجان صورت گیرد رد و بدل شده است نامه سرگشاده جبهه متلف احواب

آزادخواه و مانند آقای دکتر مصدق نیز تاثیر عیبی در افکار مردم بخشیده اند بهر حال سر نوشت انتخابات بیچ وجه معلوم نیست، ولی شروع انتخابات در روز مفسر گویا قطع است مسئله اعطاء نقت به شرکتهای امریکائی یک قضیه جاندار و بنهایت قابل تاملی است همه تصور می‌کنند، و مخالفت بیناست امیر یالیستی امریکا در امور دولت ایران برای غنای گرفتن قولنامه لغت دولت شوروی است و شورش میثاریسم در گوشه و کنار کشور بخصوص در این تنگنای سیاسی غالب مسائل دیگر را تحت الشعاع فرار داده است، بهر حال با این جریانات

میم و دوپلوچر با چشم بدیشی بادیده دیگری نمیتوان و باید با نطق سیاسی ایران نظاره نمود و در حقیقت باید او مفهوم این شبهه وقایع سیاسی که در هفته قبل ابراز شد لفظ اظهار تعجب نمود.

از کردستان ...

مذاکرات مقر پامان یانه و سر تیب علوی بطهران مراجعت کرده است. کردستان ظاهر آرا: و هیچگونه تغییری در اوضاع آنجا بوقوع نه پیوسته است ولی با اینحال مردم سخت نگرانند گویا حوادث شومی در انتظار میباشد.

تحولات سیاسی جهان در یک هفته اخیر

تحولات سیاسی یک هفته اخیر جهان و پیشرفتهائی که در امور کنفرانس وزراء امور خارجه و سازمان ملل متفق مشاهده میشود ابق سیاست جهان را پیش و کم روغن نموده است پیش از قضایای اخیر خصوصاً هنگامیکه گنگره صلح با عدم موافقت مواجه گردید و یک سری نطق های مختلف از طرف سران دول متفق ابراز و از طرف عدالت و آسایش و صلح سخنها گفته شد.

یکجمله ساده لوح از لاجات پیشوران صلح نگران بودند ولی سر انجام تحولات سیاسی نشان داد که آن مخالفتها در شرم سیاسی دول متفق که نیروی محرکه ماهین صلح هستند چقدره و تر بوده است. بطوریکه در کنفرانسهای فعلی نگرانی های سابق که وجود داشت و بر گزین قضیه که با سر نوشت سازمان صلح و آینده جهان بستگی کامل دارد باروش منطقی کبیر خارجه شوروی خود بخود حل گردید.

تصویب پیشنهاد آمار نیرو های صلح دول متفق در کلیه کشور های جهان یک کام بزرگ بسوی صلح و دموکراسی خواهد بود و در نتیجه عملی شدن این نظر قطعاً دول مستر و دار نیوانند، در زیر ماسکهای فریفته خود راستور کنند و سعی که در مقابل «سازمان صلح» وجود داشت با این ترتیب بنیانه شکسته خواهد شد و اگر این نظر صحیحاً اجرا شود قطعاً بنامهای گوناگون در جهان فردا «خون» ریخته نشود.

گرچه هنوز در راه انجام این مقصود مواضع وجود دارد و هنوز دول آنکلو مرینگن با بررسی نیروی اتم مخالفت دارند و مستر کنلی نماینده آمریکا بیست تادات مفصلی به سازمان ملل عرضه داشته است و چند نقطه دیگری خود بخود وجود

پیدا خواهند نمود، معمولاً به آینه سازمان ملل متفق نمیتوان بیش و کم خوشبین بود.

نخستین عکس العمل پیروزی جمهوریخواهان در امریکا

چنانچه میدانیم جمهوریخواه ها همان اصولاً با کنترل بهاء هر نوع جنس شده با مخالفت دارند و پس از پیروزی در انتخابات متفر ترومن نیز به تبعیت از افکار ری پابلینگن ها مجبوراً التاه کنترل اجناس را اعلام نمود و تنها تاتروانی و شد بد این عمل نیز که امروزه در لندن جلب توجه می‌کند آتست که قرصه ای که چندی پیش در انگلستان برای خریداری اجناس ختم در امریکا نوده بود اهمیت آتسانی خود را از دست داده است زیرا بهاء اجناس در بازار امریکا روز بروز بالا می‌رود و این امر تولید فکر بدیشی شده ای در محافل اقتصادی و سیاسی انگلستان نوده است.

در فلسطین .....

در فلسطین هنوز فعالیت سیاسی و مبارزه قوم یهود و عرب ادامه دارد، مارها ل موتتسگری در فلسطین پسر میرد و در ضمن صحبت با مردم آن کشور افکار لاتی که در راه صلح وجود دارد سرچشماند گر داده سر نوشت معلوم نیست فلسطین را یکجمله آزاد کنند ولی آنچه در حقیقت معلوم است اینست که «کامن ولت» از ادامه بهشت متعود عاجز شده است و می‌خواهد تفکاف عین سیاسی را که مسئله فلسطین روز بروز بین لندن و نیویورک ایجاد نوده بترتیب رضایتش درز بگیرد، ترور دست جمعی و تخریب هارات که بدست یهودیها انجام میگردد و فعالیتهای سیاسی و آمد و رفت مأمورین دول آنکلو آمریکا از چیزهایی است این روزها در فلسطین جلب توجه میکند.

لوری سعید پاشا و گاینه جدید عراق

زلال لوری سعید پاشا از طرفداران جدی دولت اعراب و اتحادیه اعراب میباشد و در اغلب محافل سیاسی مردمی است که همه او را متقابل به سیاست بریتانیا میدانند بهر حال تحت و زجر جدید عراق گاینه خود را تشکیل داد و طی اظهارات، مفصلی علاقه خود را به دوستی با ایران و ترکیه ابراز و در پیرامون نقشه حوریه بزرگ اعرابائی نمود

برای آقایی که از نواحی مختلفه کرد نشین بطهران می آیند چون اغلب اوقات برای آقایی که از نواحی مختلفه کرد نشین بطهران می آیند نام هائی بوسیله اداره روزنامه کوهستان میرسد که بعلت معلوم نبودن آدرسشان ناچار پس از چند روز نگهداری خودت داده میشود بدینوسیله با اطلاع هوم میرساند اداره روزنامه کوهستان برای ثبت اسامی و آدرس آقاییان تازه وارد آماده و میتواند ورود و عزیمت آقاییان را که مایل باشند بوسیله آگهی در روزنامه با اطلاع دوستانشان برساند فضا از آقاییان که بطهران وارد میشوند خواهش میشود هر چند روز یکبار برای دریافت نامه هائی که بنام آنها بوسیله روزنامه کوهستان فرستاده میشود بدتر روزنامه مراجعه فرمایند برای کسب اطلاع از آدرس آقاییان اکراد مقیم تهران نیز اداره روزنامه میتواند راهنمایی کند.



### ستون مخصوص اتحادیه دانشجویان کرد استعدادان آمانه خدمت ملت است استطاعت نیز تگانی بخورد

در چند شماره پیش این روزنامه شرح بسیار مین و هیرینی تحت عنوان «سنول کیت» بکلمه پریشان درج شده بود که سابقین اوضاع کنونی کردستان را بنحوصاده و روشنی مجسم می نمود.

نویسنده محترم مسئولین عراقی کردستان را به دو دست متناظر تقسیم نموده و برای هر یک خصوصیات خاصی شده و بالاخره باین نتیجه رسیده بود که این دو دست دو برهانه مختلف و متضاد دارند که اگر مشترک آن را در آبادی کردستان بکار اندازند دیری نخواهد گذشت کردستانی آباد و آزاد گره ستانی که لاین زندگی و مسایه مباحث قوم رشید و هراتنه کرده باشد چاشین گورستانی خراب و ویران گورستانی که هر فرد حساس و غیرت مند گره از زندگی کردن در آن و حتی از ذکر نام آن اکراه دارد خواهد شد.

این دو دست چیست؟ یکی دست است که استعداد دارد ولی بدینانه استطاعت ندارد و دیگر آدست که دارای استطاعت است اما متأسفانه فاقد استعداد.

این مفیده رانه تنها پریشان نویسنده محترم آن مقاله دارند بلکه پریشانیهای اوضاع فکری و رفت بار کنونی سنج چلکی بر این مفیدانه و میدانند مادم که استطاعت ها و استعداد ها در راه بهبود اوضاع مصرف شوند محال است کردستان ندمی بسوی سادت برآورد. ما اکنون می خواهیم وارد این بحث قوم که آیا این دو دست کدام یک بیشتر مضر و مسئول خرابی اوضاع گره ستانه نقطه هفتنگان اصلاح اوضاع کردستان و پریشانیهای بدبخشی آن سامان نوید میدهم که ما بنی دانشجویان کرد که قطعه را پس یکی از دو دست مسئول قرار داریم اینک به پیشنهاد پریشان لیک گفته و با جان و دل حاضریم سرمایه متری و فعالیت و انرژی خستگی ناپذیر و ابتکار جوان خود را وقف اصلاح اوضاع کردستان مزب رسوده و برای انجام این منظور مقدس دست برادری و اتحاد را بسوی آن دسته دیگری یعنی آن دسته ای که با استطاعت خود شامل مؤثری در راه عظمت و تعالی کردستان خواهند بود دراز کنیم. این دیگر بر طالب آبادی و ترقی کردستان است که در گوش این دست با صدای رسا بفرمانند که استعداد آماده است آخر استطاعت هم باید تگانی بخورد.

بهر جهت ما وظیفه وجدانی خویش را ادا می کنیم و بفرمانده گان ارجمند کوهستان نوید میدهم که از این پس اتحادیه ما را تکرار و نظریات و پیشنهادات جوانان دانشجوی خود را در این جریده

بنام آقای عباس آزاد پور

مقدمات انتخابات ۴

دعوت کنفرانس ۲۵/۸/۴۵ در سنندج

چندین بود که صدای اردانشجویان منجم ستهج تصدداقتند در باره انتخابات سخن رانی کنند و مقدمات کار را از هر جهت فراهم نمودند. نابلونی بوسیله یک فرد شهر حرکت داده میشد و مردم را به روز و مهل سفرانی هدایت میکرد دعوت نامه نیز منتشر شد و هر کسی و نقای خود را برای استماع کنفرانس دعوت می نمود. مردم متفرد و بی سرگرمی این پیش آمد را ببال نیک گرفتند تا دمی را در اجشاع بگذرانند.

بازی اداره فرهنگ بنا بوظیفه اداری نقاضای محصلین را قبول نمود. ما از جریان مذاکراتی که در روز موهود شد برای مورد مذکور بود کاملاً اطلاع داریم و تشریح آنرا برای اشتیاق مردم بقیه موکول به اسرار و نقاضای دیگران خواهیم کرد.

بهر حال تا ساعت ۱۲ روزه موهود کسی تصور نیکرد که علیر این سفرانی عادی را که از یک امر پیش پا افتاده و بی اهمیت نیز ساده تر است بشوق خواهد دادند. زیرا مردم خوش خور در این شهر هنوز خیال میکردند تمام داد و بیدادهای همه جا برای آزادی سخن و بیان و نظم، خاصه در مورد انتخابات مجلس و بلائیس با بیابیه های مکرر چه بگویم پس از دوره دیکناتوروی باغتن جنگ بزرگ اخیر، برای کردستان خواب آلود، برای کردستان دور، برای کردستان خفا از همه چیز با محروم از همه چیز حقیقتی دارد.

از بحث دور شدیم، حق دارم، زیرا وقتی فکر میکنم که مردم دعوت میشوند، مردم را آنگین میدهند برای وفوف به یک مقیض حیاتی خیال دارند دمی آنان را متشوق و با جریان اوضاع ما نوس بدارند آنوقت ملت و اتاوقت موهود و پس از پس آمدن انتظار بصر می گردانند و در آخرین لحظه عذر همه را میخواهند، مقرر میخواهند یا مردم را با بی اشتغال مسخره می کنند متاثر میشوند.

من نیز مانند همه میدانم که این کنفرانس ها، این حرکت بیگانه در سر مشتاق نظی اثری ندارد. اینها نمی تواند نه تنها عقیدت قلبی و اصل موضوع را نامتن کنند بلکه در کثر جالی این گفته ها اثر قطعی خواهد داد و من هم مثل همه از این قسمت نگران یا نازاری لیستم که الا برای گفتن چند جمله از زبان های غیر موثر، یا بسراک ششیدن چند جمله بی اثر، نیز محروم هستیم. بیچاره ما بیچاره آنهاست که باز حس خوش بینی دارند و امید به آتیه این شهر خراب ما (سنندج)

تصمیم سفرانی دوم در اثر محسوس داشت، اول اینکه خرمنم کنفرانس هلی نند زیرا گوینده و نظریاتی بیای مز شطایمی گشایند از مردم که بسیاری ناگواری ایجاد کرده این بود که هرانا این اندازه بدبخت و محروم باید بود که بخوابم اراده هفتیدن یا گفتن موضوع

تنگر اف علمای سنندج

حسن شکر و قدر دانی از احسانات بانک آقای محمد کاظم کبیل کردستانی مراتب متوج در شماره ۳۲۲ کسری مورخ آبان ۱۳۲۵ را تحت عنوان «شیخ الاسلام خود در مصدق و تالیف نمایم» از اولیای محترم دولت تقاضای تعقیب جدی و ملتزم نمودن قذیبه این عوام مرده شوی ستهج را بنظور منیع از بکار بردن القاب علمی و روحانی نظیر برایت مقام شامع آنها داریم با توجه به بواسطش هایت است امر فرمایند دفتر رسمی را هم از نابرهه مسترد نمایند.

الحجه عیدالظیم - محمد کریمی - محمد مردوخ آیتان - محمد صادق مدرس تبریزی - محمود مدرس - محمود مطفی - احمد مصی - عیدان مدرس - کریمی - صدی - علی شکیا - عید علی مجد سجادی - خالد مطفی زاده - محمد احدی مجد - مجتهدی - نجم الدین علوی - احمد عزیززی - مدرس - مولانا سیبیل پیوندی - احمقری - عبدالعکیم شهابی - عبدالرحیم مدرس - اسمعیل یوسفی - مردوخ - محمد وظهر - حسین - محمد شریف - تقی عیدان - فتح - مجید - محمد مدرس - محمد امین - محمود مصدی .

اداره پست کردستان توجه

چون اغلب مراملاتی که به کردستان فرستاده میشود دیر بقصد میرسد صدای عقیده دارند که در توزیع آن در ستهج تاخیر میشود بنابراین اگر محض وصول در روی پاکت ها و روزنامه ها مهر ورود به ستهج زده خود اولاً سردم دیگر تاخیر را از لاسبه آن اداره نداشته و ثانیاً مؤلفین سعی خواهند نمود زود تر برسانند.

از سنندج

آقای سه علی کبر ظهیری در قسمت عمران خرابه های ملکی خود از ستهج فعالیت بخصوصی نشان داده چند مکان و حمام ساخته اند.

بادر نظر گرفتن گرانی مصالح و اشکال عیلت ساختمانی و اما هر کس در ستهج خانه یا دکانی بسازد باید مورد تشویق واقع گردد.

امیدواریم آقایانی که وسایل عمران و آبادی دارند از اقدام و ساختمان مشایقه ننگند و با اگر چند نفری مردکار و نسل یافت شوند شرکت تشکیل داده شاید نفری از این خرابه های کنونی ستهج بکاهد.

های ساده و اساسی را که در درجه اول اهمیت رژیم مسلطی است داشته باشیم. در اینجا روی سخن بسا دعوت کنندگان می باشد که آسان نیز از بی حالی مدعوین استفاده کرده منت اصلی تسلط سفرانی را با اطلاع عام رسانیده تا اینکه ایتقدر مردم را بی اهمیت تصور کرده که نه پذیرفتن دعوت آنها را نیز خیلی عاوه تلقین نموده محتاج پیروش یا تفریح ملت نداشته

با انتظار ماسخ دعوت کنندگان

بمقام آقای معتمد مردوخ آیتا شاه کردستانی

# کرد و کردستان شهر ارولان

- ۷۱ -

**حکومت اقبال الملك نوبت دوم**  
 میرزا معتمد خان اقبال الملك خلف میرزا بابای حکیم تانیا از طرف ظل-السلطان در جلای الاخرای (۱۳۰۳) عمری حکومت کردستان تعیین و از عمره و حبس هفت سال وارد شده میشود. پس از ورود بهمان فراسین سه اصل و فرع مالیات را از علی اکبر خان شرف الملك گرفت او را وزیر و پیشکار قرار داد. دغدگی بیب الیک باباجانی را هم که رئیس آتاپیقه بوده حاکم جواروه میکند معید خان حاکم سقر و بوس خان حاکم باه را هم بشهر خواسته بوس خان را که بستگی بشیر دیوان داشته محبوس و معید خان را با نهایت دلگرمی حکومت سقر مراجعت میدهد. پس از چندی و جیبی را بستان جرم از بوس خان گرفت بضاعت چند نفر از تجار معتبر کردستان سه مالیات و نظم سرحد را از او گرفته او را نیز بست حکومت باه مودت میبخشد. در این سال از طرف ظل السلطان یک فوج سرباز با سه نفر سوار فسی و سه مراده نوبت به بر و پنجاه نفر توپچی برای منع جاف مامور کردستان شده روانه سرحد میشوند و در اقامتگاه سابق اردوی دولتی اقامت میکنند. مضار جیبیه و عتیق و نسیه لوازم و مهمات این اردو بیشتر از سنوات سابق شده است. در اواخر این سال بشیر دیوان در صدری می آید که و زاده و پیشکاری سال آتی را اقبال الملك به او واگذار نماید موقت نشود پس از ایس یافتن باستانخ و موالی هدست شده در چله زمستان در شب ۲۲ صفر ۱۳۰۴ عمری شیخ معتمد حسین صدرالمناب و شیخ عبدالوہب امام جمعه و ملا عبدالرزاق امین الاسلام و شیخ معتمد رضای امین الشرح و شیخ عبدالرحمن (موسی مولد) و جمعی دیگر از معارف مشایخ و موالی بار سفر بسته رهیار اصفهان میشوند. در ورود اصفهان شاهزاده ظل السلطان نهایت احترام و اگر ارام در باره ایشان مبدول داشت همه را حاضران در خانه مشیرالملك مہمان خود ساخت کلیه لوازم پذیرائی و شام و مساحت اهلان از صندوقه و مطبخ ظل السلطان داده میشود آتابان پس از رفع غمگینی در جلسه دوم از حکومت اقبال الملك و ملا لطف اله شیخ الاسلام و پیشکاری شرف الملك شروع بشکایت مینمایند و حاضران میگردد ملا شامازو وارد شده آید و هنوز رفع غمگینی نکرده آید این زمستان را مہمانا با هم هستیم تا موسم بهار البته براسم داوری خواهیم پرداخت بعد از حرکت آتابان باصفهان ملا لطف اله با اقبال الملك می گوید که ملا باقر (برادر ملا عبدالرزاق امین الاسلام) مشغول جاسوسی و غیر نگاری است و با هر بست اوضاع کردستان

## اثر طبع هزار

### هلی لیغه شره

من و تنو کم لشکر مان کرده  
 له گن کچانان هرزه دو خورده  
 هموشه و ناروز پاریزی دین  
 دزی شهک نین دوز منی خوین  
 تا به ری به پان شه روهه لایه  
 هر کچی و بومن دس به نیلا به  
 شه واته کاری صد هزار نیه  
 که دوزو ناک بوبه کی دبار نیه  
 روز ناده ری انکم تا مین نی زینم  
 هه رهچی ده گه ریم به کر، تا بینم  
 لیغه شریکمان هده به پو واوه  
 به سر آهم و حواش دا دواوه  
 به ری لو که به و پیشی ریشاله  
 هیند گونه عاسان بیی ده لی خاله  
 جار چار که هشتی سر مایه م ده کره  
 به ناعلاجی به نام بوده برد  
 مه منا مام لیغه سر به کچیله  
 له ساری له و داهه رهچی کونگه له  
 له و هه را به له و بنیالی ناوه  
 تومرغه ریگه ریشم دهرینی  
 بو ره هشتی خوی من به و تینی  
 هه تا گو به روز به حکمی قانون  
 بوم محکوم ته بن یا کنی ون کردن  
 شه و بیان ده کاو کاره سانه  
 به روزیش جیگای استکمان ته  
 روزی داده نری له سر هدرالی  
 خوی لی کردومه که بنودای مالی  
 زور حق به جانب به شهر بو هوزم  
 له گهر فریسه م بیگانه و غریم  
 ده لین باغچه شرور و چه رده  
 خودا چون ده رچم له و بگره و به رده  
 من لیله شریقی خومه ده بناسم  
 به شه و بره و به خوه و سه و اسم  
 به روز ته توالم فریسه ده مده  
 ته ی منی هزار کام خولکه مه سه و  
 باز بچی دستی سیاست منم  
 دوستم دل به غم شایون دوز منم  
 ته ی خورای ملل له گهر راست ده گن  
 له ظلم و زوری بازخواست له گن  
 هر چی من ده گل لیه شریکمان  
 تو بوسیتین یا کچی فریکمان

از منظر

## آنگهی

بشظور استحضار ما مراجع بوجود جمع آوری شده از راه ناپش بدین وسیله باطلاع همگانی میرساند: ناپش که بتلف فرهنگ داده شده بود بیوم ۱۲ و ۲۵ در خورای شهرستان محاسب آن بصل آمد و بر طبق رای سوم هیئت خورا وجه نامبرده بشظور جلوگیری از سرمای دانش آموزان بصرف تپه هفت جهت پنجره های دبیرستان هابور و تکبیل و تعمیر بخاری دبستانها میرسد و هر گاه مازادی داشت بصرف نوشت اقرار مسئولین خواهد رسید

### رئیس فرهنگ دولتی

کوهستان - برای تعمیر بخاری و غیره مسوول فرهنگ هر شهرستان اعتباری داره ولی پس از اتماماتی که در وزارت فرهنگ برای انزوه اعتبار اینگونه مضار شده املا برای هشامه آخر سال ۱۳۲۵ باصه تومان امانه منظور شده که تقریباً ابلاغ خواهد گردید  
 خوبتر این است که اداره فرهنگ سقر این مضارح را از محل آن اعتبارات بصل آورده و جویی که از راه ناپش بدست آمده صرف لوازم التحریر اطفال بی ضاعت بشود فلذا اگر انجمن خیریه ای هم تشکیل شود مردم از کمک دریغ نخواهند داشت

## چاپخانه مظاهری

### نامه آقای دکتر مصدق

جناب اشرف آقای قوام نخست وزیر

تینین مقدراتشان با آنها داده است محروم میفونه .  
 خدا را گواه بگیرم که از این مذاکرات نظر غرضی نسبت به هیچ دسته و حزب منتهی ندارم البته در مسکنت مشروطه باید احزاب عرض اهدام کنند و انتصابات را دستگیرند بشرط این که متکی به نیروی ملی و منوی پاهندو بیطرفت خود را منحصر اویسوله تبلیغات معمول در کشور های مشرقی جایز است و آزادی را در حدود مقررات قوانین برای تمام افراد و احزاب بشناسه و اینکه به بعضی وسائل مردم را مرعوب و میدان عمل و انحصار بخود نمایند .

وقتی که در موفخ انتصابات دولت اقدام بشکلیل حزبی گنه مردم چنین تصور میکنند که مسکن است دولت بفتح طرفداران خود از قدرت دولت استفاده کند و اگر این تصور صورت عمل پیدا کند بعضی برای این خواهند شد که دیگران هم مبادرت به تشکیل حزب کنند و ملت ایران را در ادوار این که از حق آزادی انتصابات محروم شود .

بنا بر این راجع بشکلیل حزب دموکرات جنبانی باید عملی پرمایه که کسی نتواند چنین تصور را بکنه و هرگاه در عمل هم دیده شود که جناب عالی به منظور مصالح کشور اقدام بشکلیل حزب فرموده اید و قسم آن بیسه که بر خلاف افکار عمومی بفتح اعضاء حزب دموکرات حق آزاد بودن مردم در انتصابات نایند سلب گردد مسلما تاجیک نیکویی نسبت جناب عالی خواهد شد که در نتیجه تقویت حزب دموکراته در آینده تاثیر خوب خواهد داشت .

مسکن است گفته شود که در مساله زانیه نیز دولت ما متکی باحزابه من این که در انگلستان دولت از حزب معینی تشکیل میشود و انتصابات را هم همان دولت اداره میکند بقیده انتصاب مقایسه کشور ایران با مساله انگلو ساکسون قیاس مع المارق است زیرا در آسالمک بر اثر دوا مشروطیت قوانین جزو مادات جاریه شده و در پارلمه بکسان اجرا می شود چنانکه اغلب پیش آمده که در زمان حکومت پتک حزب انتصاب بفتح حزب مخالف آن نشاء شده و در این کشور سالها وقت لازم است تا قوانین مانده دیگر کشور ها مورد اشراء واقع شده و آمر و مامور بوانند ست رهبری حزب و ریاست دولت را که در ضمن واحد جمع شود از هم تفکیک نایند .

در انگلستان هر حزبی در انتصابات فاتح شد خالق دولت است و در آنجا سابق ندارد که حزب مغلوب دولت باشد البته تصدیق میفرمایند که این دغه اوضاع قابل مقایسه با زمان سابق نیست و کشور ما هیچگاه با چنین خطری که استقلال و تمامیت ما را تهدید می کند مواجه نشده است و کوچکترین بی احتیاطی مسکن است ما را از این پرتگاه برای همیشه سقوط و نابرد کند

پس از مراجعت از پناه راه مسالرت اروپا از اوایل اردیبهشت این جانب در احمد آباد سارجللاغ سکونت اختیار کرده و در حال انزوا گرفتار مریض داری بودم بالاخره خود نیز گرفتار کسالت شده و ناچار شهران آمده و مدتی است تحت مراقبه میباشم و اگر با چنین حالی در مقام تصدیق بر آمده ام هیچ صبر نمیفرزادای وظیفه اجتنامی ندارم و انتظار دارم که مرا بی احتیاج و با خبر خواهان تلقی فرموده و در آن اسمان نظر مخصوص پرمایند .

مشاب ترمان صدور انتصابات غلیبان فرق المادهای در انکار عمومی پنهان گردیده و مراجعاتی از طبقات مختلف بانجناب شده و اظهار نگرانی کرده اند مردم میگویند هنگامیکه دولت مرکزی در بعضی حوزه ها علا بازرسی ندارد و در سایر حوزه ها خود دولت بعنوان حزب دخالت کند انتصابات آزاد همراه بود و مجلسیکه با این طرز تشکیل شود نظیر افکار عمومی ایران نیست و در مقابل میکانگان برای دولت تکیه گاه نخواهه بود زیرا مامورین بیگانه بهتر از سرکس ناظر باطواع و الاستیاضه انتصاب نمایندگان آگاهند و چنین مجلسی را از لوه مبر به جدا میکنند و توقع دارند که دولت مجلس را برای پیشرفت مقاصد سیاسی آنها مطیع و متفاد کند چنانچه مجلس بقرضات بفتح طرف مغلوبی نشان دهد و یا بر رویه او اعتراضی کند آنرا از تحریک طرف مقابل چاندن و خصای خود چینه ترضی انتقاد کند که نه گوی رابر هر ایرانی حرام کند .

در صورتیکه ملت ایران خواهان دوستی با همسایگان است و اگر بگذاردند نایندگان مغربی خود را انتصاب کنند از راه مفا و هرافت می توان در نهایت همسایگان را فراهم نایند و انتظار ما از اولیای امور آن است که مرتکب سوء و خطا نشوند و ما را دچار سرنوعت هوم و فاجه جبران ناپذیر نکنند هیچ کس متکر مضار ادامه نلرت و مخالف لزوم تشکیل مجلس نیست بشرط اینکه مجلس محصول آراه طبعی مردم و بین نایلات ملت ایران باشد چون با اوضاع و احوال کنونی چنین مجلسی بوجود نخواهد آمد باید در اجرای قانون انتصابات تأخیر شود تا منتصب انتصابات آزاد فراهم گردد این است نظریات مردمی که با این جانب داخل مذاکره شده اند اما عقیده خود بانجناب آن چه تاکنون پسر ما آمده از بودن مجلس است چنانچه در ناخبر انتصابات نتوانم با مردم هم عقیده هوم از اظهار عقیده و عرض این نکته ناگزیرم که دولت اعم از این که مانده دوره دیکتاتوری اسامی و اوطلبان و کالت را پرمایند ان تلگراف کند و با اینکه مانده دوره ۱۴ تقنینیه هده ای را با تزویر و حیله در حوزمه های انتصابیه تصیل و با نامرد های خود را تحت عنوان تشکیل حزب ثنویت کند نتیجه یکی است که قاطب مردم از حق انتصاب کردن مطلق که قانون اساسی برای

### تلگراف های آقای نخست وزیر به استاندار آذربایجان

حفته گذشته دو تلگراف ذیل یکی در اواسط هفته و دیگری روز ۵ شنبه از طرف آقای نخست وزیر به استاندار آذربایجان شرح ذیل مطابره کرده است :

#### تلگراف اول

جناب آقای دکتر جاوید استاندار آذربایجان بطوریکه لیلامه تذکر داده شده برای انتصابات باپستی نوای نایینه از مرکز بنطاق مختلف کشور اجزام کرده جهت اجرای این نظر و برای آنکه انتصابات آن استان نیز مانه سایر نقاط کشور بسر وفق قانون عملی گردد .

باپستی نوای نایینه مرکز به استان آذربایجان حرکت کند و اگر حرکت نوای نایینه مصادف با هرگونه اشکالاتی هود به حسن نیت و مسئولیت اینجناب و انقباض انتصابات لغشه کلی وارد خواهد ساخت .

اظهارات و ادبوی تیریز و بیاناتی که اشخاص غیر مسئول در تیریز می نایند باعث تاخیر انتصابات و اشکالات دیگر خواهد گردید که احتراز از آن فریضه آزادی خواهی و وطن پرستی است و باحسن تفاهمی که تاکنون در پیشرفت امور منظور بوده تقیب این رویه بی نهایت موجب تاسف است وظیفه جناب عالی است از هرگونه امری که موجب بی ترتیبی و تا فرمای است جلوگیری نموده از تبلیغات مضر جلوگیری نایند تا با حسن نظر و ملاحظندی خاص انتصابات نایندگان انجام یافته و از هرگونه تمسیر و عدم رضایت مصون و محفوظ ماند .

#### نخست وزیر - قوام السلطنه

#### تلگراف دوم

جناب آقای دکتر جاوید استاندار آذربایجان - پیرو تلگرافهای قبل راجع به اجزام نوای نایینه باذربایجان برای حسن جریان انتصابات از فرای که از زنجبان اطلاع می دهند در حدود قانلانکوه برای جلوگیری از نوای اجزامی متکرر بندی شده و مانع از رسیدن نوای به تیریز و سایر نقاط آذربایجان هستند .

چون این اخبار در صورت صدق خلاف مصلحت و منافی مسئولیت دولت و موجب وقفه امر انتصابات است لازم است تذکر دهم که اولاً تصمیم اجزام نوای برای چنک و مصادمه با اهالی آذربایجان بوده و سلالت و سادات برادران آذربایجان را همیشه دولت منظور داشته است

ثانیاً تاخیر امر انتصابات و درام قدرت اشکالاتی را تولید خواهد کرد که علاوه بر و صایف مسئولیت تحمیل و جدایی و وطن پرستی در تسریع افتتاح مجلس و حسن جریان انتصاب در تمام اطراف و انتظام سلطنت است .

ثالثاً مسلم است که نه اینجناب و نه جناب عالی و نه سایر غیر خواهان و وطن پرستان نیشوانه قبول کنند که آذربایجان از ایران مجری بوده و آنچه در سایر ایالات و ولایات مجری میشود در آذربایجان موقوف و مستوع باشد

در تمام نقاط ایران انتصابات تحت کنترل دقیق و آزادی صوم بوسیله نوای اجزامی از مرکز باید جریان پیدا کند و البته تجزیه آذربایجان از این امر کلی و قانونی مخالف وحدت کشور و منافی حدود مسئولیت دولت و بالاخره موجب اعتراض و عده قبول اهالی مسکنت و رد شدن نایندگان آذربایجان از مجلس است و امروز چشم ایران و ایرانیان منوجه آذربایجان است که نایندگان آنجا طبق قانون تحت کنترل دقیق نوای نایینه مرکز صورت گرفته و از هرگونه ایراد و اعتراض مانوی مجلس و مردم محفوظ باشد و بنا بر این نظریات است که لازمه است از هرگونه اشکال در رسیدن نوای مرکز احتراز شده و بقیین بدانند که هیچ نظری جز جریان قانونی انتصابات منظور بوده و انتظار من این است با اطینان کام نوای اجزامی یعنی برادران ایرانی خود را بشیرت توبه آگید نایند از هر نوع تولید اشکال جلوگیری هود تا هرچه زودتر امر انتصابات شروع و خانه یافت در املاح امور بواسطه نگرانیهای بی امن تاسیر و تعضیلی حاصل نگردد .

#### نخست وزیر - احمد قوام

آقای نخست وزیر نظیر بحرانی که امروز گریبان گیر ما شده برای سایر ملل هم پیش آمده و برای نجات ملل کوچک از چنین بد بعضی هیچ نیروی موثرتر از نیروی منوی نیست ملل کوچک در این موارد هیچ نیروی بالا تر از اتفاق و اتحاد مخصوصاً اتفاق بین ملت و دولت اهتمام اولیای دولت با احتراز هر عملی که مسکن است در ملت ایجاد ننان و دولت بکنه ندارد بروگترین حربه که امروز ما را در مقابل تجاوزات

و مداخلات می تواند مسلط کند تکیه قانون اساسی کشور و افکار عمومی است این انتصابات بقریبی که در نظر گرفته شده این حربه راست میکند و آن را بر علیه مصالح کشور بکار خواهد بست و افکار عمومی را دچار نفثت و لغزش می کند و منجر بگشکش های قانون و اختلال امنیت و حتی خدای نخواست بجزیره کشور خواهد شد

### کمک شیر و خورشید

#### سرخ

#### به زلزله زدگان دزلی

تقریباً در دو ماه قبل زلزله های شدید و مکرری در کردستان روی داد که در نواحی سرحدی شدتش فوق العاده بوده و خساراتی وسایند و خرابی های فراهم ساخت. از جمله مناطقی که سخت آسیب دید دزلی ( اورامان ) بود که چهره اثر نکان خوردن زمین و تاثیر مستقیم این حرکات و چه در اثر زلزله کوه و افتادن تپه سنگ ها خانه های زیادی از این آبادی ویران گردید.

در همه جا رسم است و نشی فلک های از منگک آسیبی بدین نوع می بینند از اطراف و جوارب مردم کمک میکنند اعانه ها جمع میشود و مردمان خیرس بکمک برادران و خواهران آسیب دیده میشتابند. در منگک ما هم این رسم رایج شده و بهنگام آسیب دیدن نقطه ای اعانه ها جمع میشود و بنام کمک به آن نقطه فرستاده میگردد.

ولی در اغلب اوقات این نوع کمک ها لوطی خور میشود. و بدان و پشیمان گران که از هیچ چیز گذشت ندارند برای خوردن پول های از این نوع هم تخصصی کاملی دارند چنان میخورند که جوین هم نبیخورد.

مثل خیلی زلزله اعانه آسیب دیدگان بان است که گویا پرونده امر نشان میدهد که هنوز قریب ۲۵ هزار تومان در جاه و بیل مدفون است.

بهر حال راجع به دزلی گزارا اصلاح موسسه شیر و خورشید سرخ ایران در نظر دارد کمک می نماید. ما فیلا از این سس نوع پروری و توجه بیست ریمه این موسسه شیریه میسازگاری نموده سپس تنها مینامیم این کمک را بنوعی بنامند که گردن کلفت ها تصور نکنند بلکه واقعا چیزی باید آسیب دیدگان شود اگر موسسه شیر و خورشید سرخ بخواهد پول مکره دهد بطور قطع تقسیم شده بلع میگردد اگر بخواهد به فکر این باشد که خانه برای خانه خراب میسازد بطور قطع تا بحال هر بدبختی لانه ای برای زمستان خود تهیه دیده و پانلاکت نام زن و اطفال لغت و عور خود را در آن پنهان نموده است.

بنقیده ما بهترین راه کمک این است که موسسه شیر و خورشید سرخ مبلغی را که میبخواهد کمک کند پارچه و لباس ببرد و بوسیله یک همس مورداطمینان خود بصل روانه نماید که بین آسیب دیدگان و بیچارگان تقسیم نمایند و تن های لغت مردمان ننگ زده را بیوفانند امید داریم باتوجه باین امر هر چه زود تر اقدام موسسه شیر و خورشید سرخ عملی گردد تا زمستان رسیده و در آنجا مسود نشده این بر نوابان به نوالی برسد.

**افتتاح شورای عالی بهداشت**  
روز هفتمه شورای عالی بهداشت در حضور اعلیحضرت همایونی افتتاح یافت. وظیفه این شورا تهیه و نظارت بر برنامه های بهداشتی منگکی میباشد پس از ایراد خطابه ای از طرف وزیر بهداشت، اعلیحضرت همایون شاعتشاه فرمان عضویت و ابهریک از

### تلگراف های گروس

#### راجع به انتخابات

دو تلگراف ذیل از گروس رسیده:

**تلگرافی اول**  
جناب اشرف آقای نخست وزیر، از صفور پاسخ تلگراف های اهالی جنبی بر اهتمام دولت در آزادی انتخابات دوره با نوزدهم موجب بسی امیدواری است. لیکن هنوز رفع نگرانی نگردیده زیرا دست ها سی مشغول زمینه سازی است که این دوره را هم مثل دوره گذشته بوسیله تضییع و تهدید سلب حق از اهالی گروس نباید و نگذارند موفق با اعتماد و کلیل با شرافت وطن پرست به اهل گروس بشویم در صورتیکه محرواست یکاکنان بپیچ وجه صلاحیت نایندگی گروس ندارند. با استظهار بفرموده جناب اشرف که مصمم میباشند از اجرای مسامله انویا با ضلع و مداخله بیگانه در امور داخلی ناظر و باطله جلو گیری نمایند انتظار داریم مطلق توجه مخصوص به انتخابات گروس بفرمایند تا در این موقع بازیک بتوانم آزاده از حق خود استفاده نمایم. در خانه عاجزانه استدعا داریم که اولیای امور انتخابات بیشتری نسبت به اهالی گروس که از هرجه محروم بکنی عقب مانده اند بیلول داشته و در انتخاب یک نفر وکیل محلی که وکیل واقعی گروس و گروس هم باشد مساعدت فرمایند.

#### تلگرافی دوم

جناب اشرف آقای نخست وزیر بطوریکه غایب است جنی اشخاص در مرکز از طرف اهالی گروس کاندید عالی را معرفی می نمایند و حال آن که آن اشخاص ابتدا گروس نیستند. ناظیه مردم گروس آقای سید حسین میسزاده آقای زاده مرحوم آقای سید عبدالجید گروس که شخص پاکدامن و وطن پرست می باشند در نظر گرفته و امیدوارند اولیای مربوطه به نظر مقررین ترتیب اثر دهند.

#### اخبار مستند

- ۱- جناب آقا شیخ محمد فرزند ارشد مرحوم شیخ حسام الدین به کردستان وارد شده اند. در هنگام ورود استقبال شایانی از طرف هموطنان و درواش به عمل آمد.
  - ۲- آقای صبیحی چند بست ریاست اداره ثبت وارد و مشغول کار شده اند.
  - ۳- گرانی نرخ اجناس روز افزون است و مردم سخت در فشار روانی راضی میباشند.
  - ۴- بر حسب دستور مرکز شکر و جای به هشایر داده شده ولی مردم شهر از ترسیدن سهمیه خود نگرانند و قندو جای هم بهین جبهه روز بروز گرانتر میشود.
  - ۵- نظر به بدی محصول در نواحی مرزی وضع ارزاق عمومی در این مناطق چندان رشایت بخش نیست.
- اعضای شورای عطا فرمودند:
- آقای دکتر عبدالعسین اردلان رئیس اداره کل بهداشتی شرداری که عضویت شورا را دارند بدریافت فرمان همایونی مقرر گردیدند.

#### از سفر

جناب اشرف آقای نخست وزیر رونوشت وزارت فرهنگ از امضا کنندگان تلگرافی که حاکی بر شایست از موبدی تیریزی رئیس فرهنگ نه بلکه منبع فتنه و آشوب اینجا در شماره ۱۶۷ مورخ ۹ آبان روزنامه بیستون درج شده فقط پنج شش نفر از نوکسرها و چاقو کش های پاره آشوب طلبان شناخت شده و سایرین بهد حالی بی نام و نشان هستند که شناخته نشده و بیسین دلیل معلوم میشد از چاقو کش های بی خیال و اولاد هستند. که اطمینانی ندارند در دبستان یادیرستان تحصیل کنند.

استدعای اعزام با زورس با وجدان بی طرف داریم که هویت کامل امضاء کنندگان و ائش امروزی عناصر موزیه معلوم شود.

**حقیقت امر اینست** تا موبدی تیریزی در فرهنگ سفر است فرهنگ اینجا کانون فتنه و فساد است و امید به بهبودی نیست. تغییر قوری ایشان را خواستاریم.

۱۹۷ - اعضا و افراد اشعاده کثارتوزان و اصناف ستر کبک های امان اشرفهت. علی اکبر امجدی علی اکبر قبادی - ذبیح الله دشتور - علی سلطانی - ابوالقاسم حاجیان - علی اشرف باوری - حسین علی هندی - و کبکی علی پاشایابی - خدا داد منصور - محمد سلیم خیالی - میرزا آقا حریری - حسین علی بنامی - محمد بنامی - حسین حریری - حسین مهدی - امین الله مطهری - حسین علی صوفوری - احمد علی فرهنگیان - عزیز الله حلی - عید الله مطهری - حدیدی - اسمعیل حرب پور - محمد آقا حاجیان علی دانی - حسین محمود محمود مطهری - لطف الله بنامی - حسن ششودری - شاد الله سرحدی.

#### برای اطلاع اداره کل دخانیات

جناب اشرف آقای نخست وزیر فدوی رشید ساکن وزمان بکنگر و اراع و بیچاره هستم مقداری توتون را برای معاش خانواده خودم بوسیله ماشین به بیجار آورده میخواستم تحویل دخانیات بدم بعضی رسید به شهر مامورین دارائی به عنوان قاچاق اطراف را گرفته توتون را بدارائی برده در آنجا مقداری آنرا برای خود برداشته و بنده را تحویل زندان دادند. ۴۲ روز زندانی امروز یادادن ضامن مرخص از هستی سلفظ و حیثیت پایمال استمدا رسیده کی کامل و استرداد همین توتون با پرداخت بهاء

### نامه آقای دکتر مصدق

بنیه از صفحه ۶

بنقیده اینجا ملاح منگک و این است که نایندگان مجلس با خود مردم سروکار پیدا کنند و فرمان روایات از دست مردم بگیرند و بالتبجیه هر مجلس شورای ملی مامور باخته و در صلاح و صرف جامه ایراد عمل کنند و صلاح شخص جناب اشرف هم در این است.

بنابر این اگر ۱۲۰ نفر از طبقات ششگانه و مورد اعتماد جامعه بطوریکه در ماده ۱۴ قانون انتخابات مطرح است یعنی از علماء امیان ملائکین تجار اصناف و زارعین دعوت شوند و آنها هبیتی که کثیر از هس و بیشتر از ۱۲۰ نفر باشد از بین خود انتخاب کنند و انتخاب در تمام منگک تحت نظر هیئت موز بورهائی خود آن جناب با نهایت بیطرفی از همه انجام وظائف نخست وزیر و رهبری حزب هر دو بر میآیند و نتیجه انتخابات هم هر چه بشود مورد اعتراض نخواهد بود زیرا طبق مقررات خود را هر طور بخواهد تعیین میکند و منظور از اسرار اینجا ب است در آزادی انتخابات برای تمام افراد و احزاب و دستجات نه این است که حب

و یا بنشی نسبت بحرب مینی در میان باقه بلکه از این جهت است که مردم آزادانه بتوانند هر که را مورد اعتماد آنها است انتخاب نمایند بهد بی است آن عده از نامزدهای حزب دموکرات که مورد اعتماد و علاقه این مردم باشند با رویه صحیح و غیر قابل اعتراض مجلس خواهند رفت و فقط نایندگان حزب دموکرات شناخت نخواهند شد بلکه نایندگان خود مردم بشمار خواهند آمد و مسلما حزب دموکرات پانگاه انکار صومی برخوردارند بهتر میتوانند برای حفظ مصالح کشور در مجلس مبارزه کنند و اگر رهبر از این باقه مسکن است بین مردم و حزب مصالح کشور آنرا نیز باید مورد توجه و دقت قرار داد.

در خاتمه عرض میکنم که این نامه را مدتی است تهیه نموده ولی در ارسال آن تا مل داشت تا اینکه وجدان اجازه ندهد بیش از این مسکوت بگذارم و اکنون آنرا تقدیم مینمایم.

#### دکتر محمد مصدق

آنرا دارم عدم توجه باعث تلف هدن چند نفر خانواده بیچاره در این فصل زمستان خواهد بود.

رشید ابراهیمی

### بهترین راه دفع موش

بهترین نسخه های دفع موش - علیه ترین نسخه متخصصین برای معالجه بواسیر - علاج مهم نازالی - بهترین نسخه های دفع سترم و هزاران مسائل مهم بهداشتی را در شماره های اخیر نامه پزشکان مطالعه فرمایید.

آبونان ۲ شماره در سال فقط در بابل (تلف و روشی نهاده) آدرس: دفتر نامه پزشکان - خیابان خسروی - مشهد

۲-۲ (۵۰) م-آ

# کوهستان

آب و نان یکساله داخله ۲۰۰۰ ریال  
تنگر و شرداخله ۱ ریال  
خارجه ۲۵۰ ریال  
خارجه ۵ ریال  
جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تلفن ۶۶۵۷

آقای وزیر دادگستری توجه فرمائید

## در اطراف برگزاری آقای مشیری

سفا و احسان حق دوی العفوق رفتار کرده ام بدیهی است که پس از استحضار خاطر مبارکشان رفع این بی اعتدالی بین من خواهد شد.

میر محمدعلی مشیری کردستانی  
(۵۰)

صاحب امتیاز و مدیر معتمد روزنامه کوهستان  
بادت توجه بشریکه در شماره ۶۸ مورخ ۲۵/۸/۱۳۲۵ روزنامه هفتگی کوهستان تحت عنوان فاضی با شهادت برای جلب نظر وزارت دادگستری مرقوم رفت بود اینکه از نظر وجود رابطه دوستی و اخوت بین اینجانب و لایبل معتمد اردلان و سایر رجال نجیب و روشنفکر کرده و از اینکه حق قانونی برای من مقدس است متذکر میشود با اعتراف بیکی و همت آقای مشیری به نظر اینجانب لای حقیقت دادن بجیزی که در حقیقت بوج و باطل است کار کوچکی نیست

آقای اردلان مطمئن باشید دادنامه ازهرحیت و هرجهت برخلاف حقیقت صادر شده چه اشخاصیکه بیت خیال ارتفاع در سردارند بشهادت من مردم شمال در هیچ عصری از اعصار آن مقدار املاک بخود ندیده بودند

اینجانب آن جناب رابطه ای نه پرورده دعوت میکنم تا بداید حق با او زیرا دادگستری است و راهی که آقای امین الدوله پیبوده خودو فاضی باشماستریه بدنام نموده کمال ظلم و بی عدالتی و راهی است که خط و خطا و عصیان و گناه از آن عبور نموده است

با تقدیم بهترین و صمیمی ترین تشکرات بدالسه خدمت بری - و کمال دادگستری  
**کوهستان** - بقراری که اطلاع حاصل شده در رسیدگی که جعل آمده صحت و درستی حکم صادره تایید شده در اینحال متشکریم بپییم دادگستری چه اقدامی خواهد بود

آیا بنا بر هم سکوت وزارت دادگستری نشانه اشتباه در برگزاری آقای مشیری نخواهد بود؟

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان در شماره ۷۰ آن گرامر نامه رونوشت نامه آقایان محترم کردستانی ها درج شده بود که بنام جناب اشرف آقای نواب السلطنه نخست وزیر عرض شده است

البته سیاست گزاران چشم چون در نامه نابریه تبه گردیده است « اخیراً بطلی که بر وزارت دادگستری پوشیده نیست مشیری از کار برکنار شده است » برای رفع هر گونه توهم و اقیانهای لازم میدانم که علت را توضیح دهم تا قلب روشن تر گردد لذا این مختصر را توضیحاً یادآور میشوم -

درجه اخیر معاکه ورتنه ناظم السالک تشکلیاتی با اداره املاک و اگذاری ناگهان پنج نفر از کلای و مساوی گنه صاحب نفوذ هستند - برای احوال نفوذ خود وارد محکمه شده و بدون اینکه مرزحالی به تجدید نظر داده و جریان قانونی را طی کرده باشند و بدون اینکه تعیین وقت شده و دعوت بمعکمه شده باشند فقط بهوای نفس هر یک تقاضاهای مختلف خارج از موضوعی نمودند که اعطیان با هیچ قانونی نداشته و قابل ترتیب اثر نبود - چون رای معکمه صادر گردید و درصدد تغییر رای امضا شده برآمده و این عمل هم برخلاف نص قانون بوده و امکان پذیر نبود نتیجه جریان مذکور منتهی بانعزال معکمه و بلاتکلیفی اینجانب گردید -

این است معنی آزادی رای و استقلال قضایی و رعایت احترام اصل ۸۱ قانون اساسی - دیگر هر قوانین خلقی موجود فیجوده است

فکر میکنم که در مدت سی سال خدمت من قضائی در اغلب از ولایات و ایالات کشور طرز و رویه کار هم طوری بوده است که نزد خدا و نفس خود رو سفید هستم و برای آقایان محترم و هشتری های خود هم اچ اد نگرانی نکرده ام و چون در ابتدای ورود خدمت دولت بتصویب مقام حضرت اشرف آقای قوام السلطنه نخست وزیر نقلی مشغول خدمت قضائی شده ام همیشه درجه جا موافق مزایم حضرت معظله الیه در حمایت

## برنامه گردی شروع نشدله موقوف گردید

حلت پیش خبر دادیم که در روز در حلت دوشنبه پنجشنبه برنامه مفصوسی به زبان کردی در رادیو تهران بخش خواهد شد و ایشار خوش بینی نمودیم که این عمل موجب خرسندگی و توجه کرد زبانان دنیا خواهد بود ولی پس از انتشار این خبر روز دوشنبه ساعت ده مستنصر شدیم که برنامه هنوز شروع نشده موقوف گردیده است!

این خبر برای ما متعجب آورید زیرا صحبت فراهم نبودن برنامه ای به کردی از چند ماه قبل در میان بود و رئیس دولت موافقت خود را با آن اعلام فرموده و کسببون های مختلفی هم با چنین برنامه ای موافقت نموده بودند. روزی حسین متمدات و تصبیات هم بود که رادیو تهران شروع برنامه را برای روز دوشنبه گذاشته الحلام داشت و در اخبار رسمی روزنامه ها هم نوشته شد و منی علت موقوف نبودن را از اداره تل تلیفات سوال کردیم آن را بر حسب دستور جناب آقای مظهر مایان وزیر کار و تبلیغات اظهار نمودند. تعجب ما بیشتر شد زیرا آقای وزیر کار و تبلیغات قبل از امر از مقام وزارت با آن کاملاً موافق بود و دو اوایل دوره وزارت هم دستورات چنه و بی دومی برای شروع برنامه صادر فرموده بودند.

در ملاقاتی که از ایشان حمل آمد جواب صریح و پاسخ قانع کننده اظهار نفرمودند فقط برای خالی نبودن هرچه شروع مجدد آن را موکول به نتیجه تصیم کیسیون خاصی فرمودند که آن هم انتظار نبرود باین زودی هاشنگیل خود و با اصولاً وجود خسارسی داشته باشد.

بهرحال برای اینکه خواننده گان مستنصر باشند که اخبار تا موقت نباشد در روزنامه چاپ نخواهد شد ذکر این جریان لازم بود. امیدواریم آقای وزیر کار و تبلیغات هم در دستور خود تجدید نظر نموده و متوجه باشند که برنامه حضری در رادیو تهران ازهرحیت ازسیاست شخصی رئیس محترم دولت پشتیبانی نموده و افکار را برای پیروی از زبان آشنایان آماده نمیکنند.

حال مسکن است معیده ایشان برخلاف این باشد ولی چون فعلاً زمانه رور کار بدستند قطعاً باید عقیده شان ولو اینکه صحیح هم باشد بر عقیده دیگران به بریزد. بنوای اطلاعاتی بدست یاوروی که حلت آینده بیشتر در این موضوع بحث کنیم مخصوصاً فراموش نکنن که از همه چیز لازمتر برای تو فعلاً استراحت است.

## در بستر بیماری

بقیه از صفحه اول  
دوست من بیاس سابقه درین به احوال بررسی من آمده بود طبع کجنگار مرا و امار ساخت که از اختیار تازم ولایت از او برسمو مخصوصاً از وضع انتخابات جوانا خود.

گفت از استندخ تازه ای نیست آرامش کامل برقرار است مردم همانطور بی سروصدا خوابیده و هر قدر عده ای جوش و خروش برشته کسی بیدار نمیشود و حتی تقاضا نمیکردند. هرچه دادند مردم شاکرند هرچه کرده خلق دهاگوست. گفتم از سفر چه خبر زخم و خورد اخیر چه بوده گفت میگویند سدا گران در آنجا بین نماینده های طرفین روی داده و ای کسی از آن بیوری نمیباید. فعلاً در آنجا هم سروصدائی نیست فقط میگویند هیچ جلال الدین نفسندی آمده سپس سخنان خود ادامه داده برسد آیشیخ جلال الدین راهبناستی! گفتم نام او را شنیده ام گویا همان شخصی باشد که دوسه ماه قبل مهیاان ستاد ارتش در تهران بود.

گفت آری پس از گذری مکت گفتم این مسافرت را من ساده میدانم توجه فکر میکنی؟ گفتم چون شیخ جلال الدین را نمی شناسم نمیتوانم عقیده ای اظهار کنم. گفت اگر تازه مر اسوه طن دار نفعی خواهد گفت که برای کار انتخابات سفر است گفتم چطور! مگر انتخابات سفر دست شیخ جلال الدین است یا خود او خواهند تابت گیت. گفت معلوم میشود کسالت خیلی در فکرت اثر کرده نه انتخابات دست شیخ جلال الدین است و نه خود او در این فکر است.

گفتم پس در اینصورت آمدن او بطهران چه ربطی به انتخابات دارد؟ گفت میخواهند یک آدم گشامی را برای آنجا بفرستند و برای اینکار میدان داری را بشیخ جلال الدین میدهند او باید نام نامزد را بر زبان جاری کند تا عقد وکالت بسته شود دیگران هم لیک گویان در بالتر مبارکباد گویند گفتم پس مردم چه خواهند گشت.

گفت مردم را چنان خفه می کنند که از احدی نفس بیرون نباید گفتم سفر قطعاً حساسی است نمیتواند اینطور آشکارا مردم را به عقد ناشناسی در آورند گفت آنهاییکه فکرش را کرده اند از من وتو در کار خود ماهرتر بوده اند ولی با وجود این گمان میکنم باین سادگی وکالت سفر را نتوانند در دامن محبسه ای بیاندازند.

رنیقم کلاهنر را برداشته خنده ای کرده گفت یک هفته دیگر هم باید صبر کرد تا بنیتم انتخاباتی املا در کار خواهد بود یا نه ولی بهرحال من در اطراف اینهایی که گفتم فدای بیشتر تحقیق میکنم امیدوارم توهم حالت بهتر شده

## سیاسی گذاری از ذات شاهانه

ساست مقدس بندگان اعلی حضرت مابین شاهنشاهی ارواحنا فداه از صدور اوامر مملکت به وزارت دارائی در موضوع دوست هزار ریال اعضائی برای کتله به ساختمان سیارستان سنتج که رونوشت از طرف وزارت در پار شاهنشاهی باین کتله ابلاغ گردید صوم اهالی خصوصاً بانوان سنتج بایداری عظمت و اقتدار دولت قویشوکت و از ایزدادند جلت عظمت خواستار و صوم بانوان سنتج باین عطایای علو گانه مقنن و از اینکه در جامعه ملت ایران از طرف ترین الشرف اعلی حضرت همایونی به عطایا مطلق گردیده اند سیاسیگذار و مراتب تشکرات و دعاگوئی خالصه را تقدیم میدارند

محترم العلوک اردلان